

آموزش سواد رسانه‌ای: حلقه‌ی مفقوده در برنامه درسی مقطع ابتدایی

ریحانه صالح‌راد* / مریم افضل‌خانی** / وحیده علیپور***

چکیده

یونسکو سواد اطلاعاتی را به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر که برای توسعه ملی، رفاه شهروندی، اقتصادی و استانداردهای آموزشی ضروری است، تأیید کرده است. پژوهش با هدف بررسی آموزش سواد رسانه‌ای به عنوان حلقه‌ی مفقود در برنامه درسی مقطع ابتدایی انجام شده است. روش پژوهش از نوع کاربردی است که در آن سعی شده ابتدا مطالب به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شود و سپس با روش توصیفی تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد؛ سپس با استخراج اسناد مورد نظر کار طبقه‌بندی آنها در تحقیق انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، مقاله‌های مرتبط بوده که تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. پس از آن از طریق تحلیل محتوای اسناد، اهمیت و نقش آموزش سواد رسانه‌ای در مقطع ابتدایی به عنوان حلقه مفقوده استخراج شد. یافته‌های پژوهش اهمیت پرداختن به آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس ابتدایی را به عنوان ضرورتی مهم در عصر کنونی، نشان می‌دهد. دوره آموزش سواد رسانه‌ای مسیر را برای استفاده هوشمندانه، فعالانه و پویا از رسانه‌ها هموار می‌کند. ارتقای این مهارت می‌تواند نقش فعال‌تری برای دانش‌آموزان در استفاده از رسانه‌ها ایفا کند. بنابراین پیشنهاد می‌شود تألیف بسته آموزشی سواد رسانه‌ای متناسب با نیازهای دانش‌آموزان مناطق مختلف کشور در دستور کار وزارت آموزش و پرورش قرار گیرد.

واژگان کلیدی: آموزش، سواد رسانه‌ای، برنامه درسی، مقطع ابتدایی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

** استادیار و عضو هیات علمی دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

afzalkhani_mr@yahoo.com

*** استادیار و عضو هیات علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور

مقدمه

در عصر حاضر، فناوری اطلاعات سازمانی و فناوری‌های مبتنی بر اطلاعات، از الزامات اساسی تلقی می‌شوند (الممری^۱ و همکاران، ۲۰۱۵، ۶۰). در واقع اشاعه فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی امکانات جدیدی را برای توسعه جوامع در ابعاد مختلف فراهم کرده است که استفاده از قابلیت آنها به مجموعه‌ای جدیدی از صلاحیت‌ها، مهارت‌ها، دانش و نگرش نیاز دارد (یونسکو^۲، ۲۰۰۷). یونسکو در سی و چهارمین جلسه کنفرانس عمومی خود در سال ۲۰۰۷، مدیران کل خود را به حمایت بیشتر از سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی با هدف ارائه فرصت به کاربران برای قضاوت آگاهانه در خصوص رسانه و منابع اطلاعاتی و گسترش مشارکت مدنی در رسانه‌ها، دعوت کرد (ویلسون^۳ و همکاران، ۲۰۱۳). رسانه‌ها کارکردهای متنوعی مانند آموزش، اطلاع‌رسانی، تفریح و سرگرمی و... دارد و در کسب دانش و هویت‌یابی دانش‌آموزان مؤثر است. از دیگر سو تحولات فناورانه، شیوه‌های یادگیری را تغییر داده‌اند و دانش‌آموزان باید خود به تجزیه و تحلیل اطلاعاتی بپردازند که با یکی دو کلیک کردن به دست آورند. ارتباط نسل کنونی و به‌خصوص دانش‌آموزان با رسانه‌ها را نمی‌توان نادیده گرفت. ارتباطی که با حفظ کار با رسانه‌های سنتی، به سمت رسانه‌های نوین می‌رود. با دسترسی دانش‌آموزان به منابع مختلف در دنیای مجازی، عضویت آنها در شبکه‌های اجتماعی مجازی، جستجوهای اینترنتی و ده‌ها فعالیت ارتباطی دیگر، از سهم فیزیکی مرزهای مدرسه کاسته و بر مساحت مجازی آن، افزوده شده است (نیازی، زارعی زوارکی و علی آبادی، ۱۳۹۵).

امروزه در جهانی زندگی می‌کنیم که رسانه‌ها ما را از هر سو احاطه کرده‌اند. فضای پیرامونی، سرشار از اطلاعات و اخبار جدیدی است که هر لحظه بر زندگی ما تأثیر می‌گذارند. در چنین فضایی، سواد رسانه‌ای^۴ کمک می‌کند تا چگونگی استفاده از رسانه‌ها و منابع اطلاعاتی آنها را یاد بگیریم. یونسکو سواد اطلاعاتی را به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر که برای توسعه ملی، رفاه شهروندی، اقتصادی و استانداردهای آموزشی ضروری است، تأیید کرده است. سواد اطلاعاتی بر اهمیت دسترسی، ارزیابی و استفاده از اطلاعات تأکید دارد و دامنه آن به همه نوع اطلاعات و محتوایی گسترش یافته است؛ اما

1 Al-Mamary

2 UNESCO

3 Wilson

4 Media Literacy

سواد رسانه‌ای بر توانایی فهمیدن، ارزیابی و به کار بردن رسانه‌ها تأکید دارد؛ بنابراین، در فرایند گسترش شاخ‌های این دو نوع سواد، یونسکو سواد اطلاعاتی و سواد رسانه‌ای را با هم به عنوان سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در نظر گرفته است (موئلر و همکاران، ۲۰۱۱، ص ۷).

طبق ارزش‌گذاری یونسکو، سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی به عنوان یک قابلیت به شهروندان اجازه می‌دهد تا با رسانه و دیگر ارائه‌دهندگان اطلاعات به طور مؤثر به تعامل بپردازند و تفکر انتقادی و مهارت‌های آموزش مادام‌العمر برای زندگی اجتماعی و تبدیل شدن به یک شهروند فعال را گسترش دهند (ویلسون، ۲۰۱۲، ص ۱۷). یونسکو بر این باور است که سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی نقشی مهم در ایجاد یا توسعه فرهنگ دموکراتیک و جوامع مدنی فعال دارند (یونسکو، ۲۰۰۷). سواد رسانه‌ای را می‌توان قدرت مخاطب در تجزیه و تحلیل پیام‌های رسانه‌های مختلف همراه با نگاه انتقادی به محتوی آن‌ها دانست. در واقع می‌توان گفت سواد رسانه‌ای شناخت عمیقی از آنچه در فضای رسانه‌ای می‌گذرد به ما می‌دهد (طلوعی، ۷: ۱۳۹۰). در جهان رسانه‌ای به میزان زیادی از پیام‌های رسانه‌ای اشباع می‌شویم و این وضعیت ایجاب می‌کند تمهید ویژه‌ای مانند آموزش سواد رسانه‌ای برای مدیریت اطلاعات در نظر بگیریم. سواد رسانه‌ای می‌تواند به مخاطبان رسانه‌ها بیاموزد که از حالت انفعالی و مصرفی خارج شده و به معادله متقابل و فعالانه‌ای وارد شوند که در نهایت به نفع خود آنان باشد. به دیگر سخن، سواد رسانه‌ای کمک می‌کند تا از سفره رسانه‌ها به گونه‌ای هوشمندانه و مفید بهره‌مند شد (شکرخواه، ۱۳۸۵). هدف سواد رسانه‌ای این است که به مردم کمک کند تا به جای آنکه مصرف‌کنندگانی فرهیخته برای رسانه‌ها باشند، به شهروندانی فرهیخته در جامعه اطلاعاتی که رسانه‌ها قلب تپنده آن هستند تبدیل شوند. در تعریف سواد رسانه‌ای بر توانایی‌های دسترسی و استفاده از رسانه‌ها، تولید پیام‌های رسانه‌ای و ارتباط با رسانه‌ها و تحلیل و ارزیابی انتقادی محتوای رسانه‌ها تأکید شده است (یونسکو، ۲۰۱۱، به نقل از تقی زاده، ۱۳۹۳).

پژوهش‌ها نشان داده‌اند هرچند که دانش‌آموزان به مهارت استفاده و کار با رسانه‌های نوین، تسلط نسبی دارند اما در گزینشگری اطلاعات، پردازش پیام‌های رسانه‌ای، تفکر نقادانه در ارتباط با رسانه‌ها و استفاده مطلوب از رسانه‌های مختلف، چندان توانایی ندارند (تقی زاده، ۱۳۹۰: سلیمان، خسروی و حداد، ۱۳۹۲: شاه‌حسینی، ۱۳۹۲). آموزش سواد رسانه‌ای می‌تواند میزان سواد رسانه‌ای آن‌ها به ویژه در ابعاد انتقادی را ارتقاء دهد. ضمن آنکه با توجه به ابعاد دانش و مهارت در سواد رسانه‌ای باید به سمت عملیاتی کردن دانش سواد رسانه‌ای و تحقق آن در رفتار و مشارکت فعال دانش‌آموزان گام برداریم.

زیرا مهارت‌ها و توانمندی‌های سواد رسانه‌ای آن‌گونه که نظریه‌پردازان سواد رسانه‌ای مانند جیمز پاتر (۲۰۰۸) تأکید می‌کنند نیز در پردازش پیام‌های رسانه‌ای و تفکر انتقادی استفاده می‌شوند. سواد رسانه‌ای می‌تواند نوع و میزان مصرف رسانه‌ای دانش‌آموزان را هدفمند سازد و قدرت تجزیه و تحلیل و خلاقیت را در آن‌ها گسترش دهد و مانند یک ناظر هوشمند و درونی شده، رژیم مصرف رسانه‌ای دانش‌آموزان را تنظیم کند. اینترنت بستری مهیا برای تبادل اطلاعات و تسهیل ارتباطات فراهم آورده که در گستره آن شبکه‌های اجتماعی و همه‌گونه فعالیت رسانه‌ای معنا پیدا می‌کند. اصول حاکم بر تحصیل سواد رسانه‌ای به مخاطب می‌آموزد هر آنچه از رسانه‌ها انتشار می‌یابد دلیل مطابقت آن با واقعیت نمی‌شود (ایران پور، ۱۳۸۹). در کشور ما در چند سال گذشته، رسانه هم در بعد سخت‌افزار فناوری‌های نوین و هم بعد میزان استفاده‌کنندگان و مخاطبان گسترش چشمگیری داشته، اما متأسفانه در کنار این بستر ارائه‌شده، به آموزش سواد رسانه‌ای چندان توجه نشده است. دانش‌آموزان از مصرف‌کنندگان اصلی رسانه‌های مختلف به شمار می‌روند و از سویی با همگرایی رسانه‌ها و سهولت در دسترسی به برنامه‌های مختلف رسانه‌ای مانند شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، سایت‌های اینترنتی، شبکه‌های اجتماعی، آن‌ها به‌نوعی بدون آگاهی و آموزش‌های لازم به‌ویژه در زمینه‌ی سواد رسانه‌ای انتقادی در معرض پیام‌های رسانه‌ها قرار می‌گیرند که لازم است با اجرای دوره‌های سواد رسانه‌ای، برای توانمند کردن و ارتقای آگاهی‌های لازم در استفاده از رسانه‌ها تلاش شود.

جنبش آموزش سواد رسانه‌ای در کشورهای مختلف به راه افتاده است و ما در این زمینه با تأخیر روبه‌رو هستیم. هرچند که همه شهروندان به آموزش سواد رسانه‌ای نیاز دارند اما دانش‌آموزان از مخاطبان اصلی آن هستند، بهره‌مندی مؤثر از رسانه‌ها و فناوری به‌ویژه در جامعه دانش‌آموزی به‌عنوان زیربنای توسعه انسانی ضروری است. بیانیه‌ی یونسکو در زمینه‌ی آموزش و پرورش، بر فهم انتقادی محیط رسانه‌ای که ما را فرا گرفته در جهت افزایش اصول شهروندی و مشارکت اجتماعی تأکید می‌کند و در سال‌های اخیر نیز، توجه زیادی به آموزش سواد رسانه‌ای به‌ویژه در کشورهای اروپایی شده است (براین^۱، ۲۰۱۰). نهاد تعلیم و تربیت وظیفه دارد ضمن پاسخگویی به نیازهای جامعه و مطالبات اجتماعی رسالت تربیتی خود را به‌درستی انجام دهد. یکی از این نیازها، آموزش سواد رسانه‌ای است که در سند تحول راهبردهای آموزش و پرورش (۱۳۹۰) نیز بر آن تأکید شده است. سطح

نه‌چندان مطلوب سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان (تقی زاده، ۱۳۹۰) در دنیای رسانه‌های امروز به‌عنوان دغدغه جدی در نظام آموزشی کشور مطرح است. در کشورهای مختلف از طریق آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس تلاش می‌شود توانایی‌های دانش‌آموزان در زمینه سواد رسانه‌ای ارتقاء داده شود و در برخی کشورها نیز، آموزش سواد رسانه‌ای به‌صورت کتاب درسی تدریس می‌گردد. اما در کشور ما کار عملی خاصی در این خصوص انجام نگردیده است (طلوعی، ۱۳۹۱، چابکی و باهنر، ۱۳۹۲، شبیری، ۱۳۹۲). سواد رسانه‌ای توسط برنامه درسی آنتاریو^۱ (۲۰۰۶)، به‌عنوان درک آگاهانه و انتقادی از ماهیت رسانه‌ها، تکنیک‌های مورداستفاده توسط آن‌ها و تأثیر این تکنیک‌ها، تعریف شده است. با آگاهی یافتن نسبت به چگونگی ایجاد اطلاعات توسط رسانه‌ها، حتی کودکان نیز قادر خواهند بود خودمختاری بیشتری داشته باشند. به‌علاوه معلمان و استادانی که مهارت‌های سواد رسانه‌ای را کسب می‌کنند، می‌توانند به اشاعه دهندگان اطلاعاتی تأثیرگذارتری تبدیل شده و فاصله میان برنامه‌های آموزشی و برنامه‌های اجتماعی را بردارند تا نهایتاً به مصرف‌کنندگان (مخاطبان) منتقد و تیزبینی با تفکر انتقادی مبدل شوند. با توجه به این مسئله در این پژوهش تلاش خواهد شد آموزش مبتنی بر سواد رسانه‌ای برای دانش‌آموزان مقطع ابتدایی به عنوان حلقه مفقوده نظام آموزشی مورد بررسی قرار گیرد.

روش تحقیق:

این پژوهش از نوع کاربردی است که در آن کوشش شده است مطالب به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شود و با روش توصیفی تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد؛ سپس با استخراج اسناد مورد نظر کار طبقه‌بندی آنها در تحقیق انجام شده، و مطالب با مراجعه به منابعی مانند پایان‌نامه‌ها، مقاله‌ها و کتاب‌های معتبر استخراج شده و به توصیف مطالب مرتبط با عنوان تحقیق پرداخته و پس از آن اهمیت آموزش سواد رسانه‌ای به عنوان حلقه مفقوده برنامه درسی در مقطع ابتدایی استخراج شده است. جامعه تحلیلی این پژوهش تمام منابع از جمله اسناد، پایان‌نامه‌ها، مقاله‌ها و کتاب‌های معتبر و همچنین منابعی چون، سند توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، سند راهبردی جامعه اطلاعاتی، است که مؤلفه‌های سواد رسانه‌ای از این اسناد

استخراج گردید. نمونه پژوهش تمامی مواردی است که پژوهشگر به لحاظ موضوعی و مفهومی می‌توانسته است به آن دسترسی داشته باشد.

یافته‌های پژوهش:

به طور کلی یافته‌های پژوهش اهمیت پرداختن به آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس ابتدایی را به عنوان ضرورتی مهم در عصر کنونی، نشان می‌دهد. دوره آموزش سواد رسانه‌ای مسیر را برای استفاده هوشمندانه، فعالانه و پویا از رسانه‌ها هموار می‌کند. ارتقای این مهارت می‌تواند نقش فعال‌تری برای دانش‌آموزان در استفاده از رسانه‌ها و بویژه رسانه‌های دیجیتال در جامعه اطلاعاتی و عصر جهانی شدن قائل شود. بنابراین همان‌گونه که برای یادگیری هر چه بهتر دانش‌آموزان در زمینه آموزش‌های مورد نیاز متناسب با سن و فرهنگ بومیان برنامه‌ریزی‌هایی صورت گرفته است، برای ارتقاء سواد رسانه‌ای آنها نیز باید با توجه به فرهنگ ایرانی اسلامی کشورمان، برنامه‌ها - و الگوهای تدوین شود تا دانش‌آموزان این نوع از سواد را نیز بیاموزند و در زندگی روزمره از آن بهره بگیرند؛ چرا که بدون یادگیری سواد رسانه‌ای، نمی‌توان گزینش‌های صحیحی از پیام‌های رسانه‌ای داشت و خود را در برابر این پیام‌ها بیمه کرد. با نگاهی گذرا به تجربه کشورهای که به مقوله آموزش سواد رسانه‌ای پرداخته‌اند، درمی‌یابیم که بسیاری از آنها آموزش سواد رسانه‌ای را از دوران کودکی و نوجوانی و از پایه شروع کرده‌اند و این دوران را بهترین زمان برای آغاز آموزش می‌دانند و با گنجاندن موضوع سواد رسانه‌ای در عناوین رسمی به آموزش‌های لازم در این زمینه پرداخته‌اند. در واقع آنها بر این باورند که در دنیای امروز، نظام آموزش و پرورش همان‌طور که در مقابل سواد خواندن و نوشتن کودکان و نوجوانان مسئول است، در برابر آموزش سواد رسانه‌ای آنها نیز با کمک متخصصان و نهادهای حرفه‌ای، مسئولیت خطیری بر عهده دارد.

بحث و نتیجه‌گیری:

با توجه به سند نظام جامع تحول در آموزش و پرورش و توجه به مسئله ارتقاء سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان به عنوان یک نیاز جدی و کاربردی در این سند، ارائه الگویی برای آموزش سواد رسانه‌ای به دانش‌آموزان می‌تواند آموزش و پرورش را در رسیدن به این هدف یاری رساند. علاوه بر این، سازمان صدا و سیما نیز به عنوان رسانه ملی بر اساس یکی از کارکردهایش که بحث آموزش را شامل می‌شود، موظف است در راستای آموزش سواد رسانه‌ای گام بردارد؛ اما به دلیل ضعف در حوزه تولید

ادبیات سواد رسانه‌ای در ایران و عدم وجود برنامه‌ای منسجم در این زمینه، تاکنون اقدام مؤثری انجام نداده است.

یکی دیگر از دلایل اصلی عدم آشنایی دانش‌آموزان با مقوله سواد رسانه‌ای نبود آموزش در مدارس بوده و آموزش سواد رسانه‌ای به دانش‌آموزان سبب خواهد شد آنها بتوانند بهتر و هدفمندتر از رسانه‌ها استفاده کنند و به مخاطبانی فعال در مصرف رسانه‌ها تبدیل شوند (محمودی کوکنده، ۱۳۹۰). از سوی دیگر موسوی انزهایی (۱۳۹۱) در پژوهش خود نشان داد پایین بودن سطح سواد رسانه‌ای معلمان نیز در نگاه انتقادی دانش‌آموزان به رسانه‌ها مؤثر است و می‌تواند در نحوه مواجهه دانش‌آموزان با رسانه‌ها تأثیر داشته باشد. بر این اساس می‌توان اظهار داشت که وزارت آموزش و پرورش نقشی کلیدی در زمینه آموزش سواد رسانه‌ای به دانش‌آموزان نوجوان دارد. همچنین از آنجایی که در تحقیقات انجام شده مشخص گردیده که عدم ارائه آموزشی یکپارچه در حوزه سواد رسانه‌ای که توانسته باشد توانمندی‌های انتقادی لازم را به طور منسجم و هماهنگ ارتقاء بخشد، کاملاً محسوس است. بنابراین اهمیت و ضرورت‌های بیان شده، لازم است گام‌های هدفمندی توسط دانشگاهیان و پژوهشگران حوزه ارتباطات و تعلیم و تربیت در جهت استخراج و تدوین الگوی بومی آموزش سواد رسانه‌ای به نوجوانان در ایران برداشته شود تا نهادهایی همچون وزارت آموزش و پرورش و سازمان صدا و سیما بتوانند از ادبیات بومی و کاربردی تولیدشده، در راستای آموزش سواد رسانه‌ای بهره لازم را ببرند.

البته محدودیت‌های ورود آموزش‌های سواد رسانه‌ای به مدارس و همچنین محدودیت‌های استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در فرایند آموزش و یادگیری را نباید از نظر دور داشت. از مهم‌ترین محدودیت‌های ورود آموزش‌های سواد رسانه‌ای به مدارس می‌توان به رسمیت نشناخته شدن این آموزش‌ها در مدارس، متفاوت بودن امکانات و شرایط مدارس و توانمندی‌های دانش‌آموزان در نقاط مختلف، نبود مربی و معلم آموزش‌دیده اشاره کرد. از جمله محدودیت‌های استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در فرایند آموزش و یادگیری می‌توان به نیاز به رایانه‌هایی با توانایی بالا، صرف زمان و هزینه‌های بالای تولید، نیاز به زیرساخت‌های اولیه برای استفاده و عدم آشنایی آموزگاران اشاره کرد. اگر بخواهیم سواد رسانه‌ای به‌طور کامل فراگیر شود قطعاً نیاز به زیرساخت‌ها و امکانات وسیع است. دولت باید ضمن توجه به تئوری‌های نوین آموزشی و متدلوژی صحیح، بستر کافی را باید برای آموزش سواد رسانه‌ای فراهم کند. در سطح نهادهای مدنی شبکه‌ها و شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد به بسط سواد رسانه‌ای مبادرت می‌ورزند و به اعتقاد بسیاری از جامعه‌شناسان، قدرت

رسانه‌ها از قدرت سیاستمداران هم بیشتر است و به همین دلیل باید تعامل بیشتری بین رسانه‌ها و آموزش و پرورش ایجاد شود.

منابع:

- تقی زاده، عباس. (۱۳۹۰). بررسی مقایسه‌ای سواد رسانه‌ای دختران و پسران دانش‌آموزان مقطع متوسطه. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی، گروه ارتباطات.
- تقی زاده، عباس. (۱۳۹۳). نقش آموزش سواد رسانه‌ای بر توانایی پردازش پیام‌های رسانه‌ای دانش‌آموزان مقطع متوسطه. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی، گروه ارتباطات.
- چابکی درزایی، رامین (۱۳۹۲). تحلیل سیاست‌های سواد رسانه‌ای در سه نهاد فرهنگی و ارتباطی ایران. دوفصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، ۱۵(۶)، ۱-۲۶.
- سلیمان، سفر؛ خسروی، فریبرز؛ حداد، زهرا. (۱۳۹۲). ارزیابی سواد رسانه‌ای دانشجویان و دانش‌آموزان شهر تهران. مجله جهانی رسانه، دوره ۸ (۲): ۵۲-۷۴.
- شبییری، حسینیه السادات. (۱۳۹۲). آموزش سواد رسانه‌ای در فضای مجازی، مقایسه وب سایت مدیا استمارتس کاندا و وب سایت سواد رسانه‌ای ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی، گروه ارتباطات.
- شکرخواه، یونس. (۱۳۸۵). سواد رسانه‌ای، یک مقاله‌ی عقیده‌ای. فصلنامه رسانه، ۱۷ (۴)، ۲۷-۳۲.
- طلوعی، علی. (۱۳۹۱). سواد رسانه‌ای، درآمدی بر شیوه‌ی یادگیری و سنجش. تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
- محمودی کوکنده، سید محمود. (۱۳۹۰). بررسی ضرورت آموزش سواد رسانه‌ای کودکان و نوجوانان از نگاه متخصصان حوزه آموزش و پرورش. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
- موسوی انزهایی، سیده مهدیه. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر میزان سواد رسانه‌ای معلمان بر گسترش مدل تفکر انعکاسی دانش‌آموزان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
- نیازی، لیلیا؛ زارعی زوارکی، اسماعیل و علی آبادی، خدیجه. (۱۳۹۵). تأثیر برنامه آموزش سواد رسانه‌ای مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر میزان آگاهی و تفکر انتقادی دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.

- Al-Mamary, Y. H., Shamsuddin, A., & Abdul Hamid, N. A. (2015). The pilot test study of relationship between management information systems success factors and organizational performance at Sabafon Company in Yemen. *International Journal of u-and e-Service, Science and Technology*, 8(2), 337-346.
- Brian O’N. (2010). Media literacy and communication rights ethical individualism in the new media environment. *International Communication Gazette*, 72(4-5), 323-338.
- Moeller, S.; Joseph, A.; Lau, J. & Carbo, T. (2011). *Towards Media and Information Literacy Indicators*. Paris: UNESCO.
- UNESCO-Paris agenda. (2007). *The Paris Agenda. Recommendations for Media Education*.
- UNESSCO. (2011). *Media and Information Literacy curriculum for Teacher*, Edited: Carolyn Wilson, Alton Grizzle, Ramon Tuazon, Kwame Akyempong, Chi-Kim Cheung.
- Wilson, C. (2012). Media and Information Literacy: Pedagogy and Possibilities. *Communicar*, 20(39), 15-22.
- Wilson, C.; Grizzle, A.; Tuazon, R.; Akyempong, K. & Cheung, C. K. (2013). *Media and Information Literacy Curriculum for Teachers*. UNESCO.

